

## طراحی و آزمودن الگویی از برخی پیشایندها و پیامدهای سه نوع عشق

سمیه آقامحمدی<sup>۱</sup>، نسرين ارشدي<sup>۲\*</sup>، سودابه بساک نژاد<sup>۳</sup>، عبدالزهره نعامی<sup>۴</sup>

### چکیده:

**مقدمه:** هدف از پژوهش حاضر، طراحی و آزمون الگویی از برخی پیشایندها و پیامدهای سه نوع عشق در کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران بود.

**روش:** جامعه‌ی آماری این پژوهش تمام کارکنان متأهل مشغول به کار سال ۱۳۹۴ دانشگاه شهید چمران اهواز بودند. از همه افراد جامعه، تعداد ۴۸۵ پرسش‌نامه‌ی کامل به‌دست پژوهشگران رسید. افراد نمونه به نسخه‌های کوتاه مقیاس‌های عشق خیال‌انگیز (شهوانی)، عشق بر مبنای دوستی، عشق دلسوزانه، پرسش‌نامه‌ی انتظار از ازدواج، فرم کوتاه سیاهه‌ی پنج عاملی نئو، مقیاس تجارب در روابط نزدیک، مقیاس گرایش‌های مطلوب اجتماعی، مقیاس سلامت خانواده و پرسش‌نامه‌ی رضایت زناشویی پاسخ دادند. برای آزمودن الگوی پیشنهادی پژوهش، از روش الگویابی معادلات ساختاری، با تبعیت از رویکرد دومرحله‌ای اندرسون و گریبینگ استفاده شد. همچنین، برای بررسی معناداری اثرات غیرمستقیم موجود در الگوی پژوهش، روش بوت‌استرپ به‌کار گرفته شد.

**یافته‌ها:** نتایج تحلیل‌ها نشان داد که شاخص‌های برازش برای الگوی پژوهش در دامنه‌ی قابل‌قبولی قرار دارند؛ با این حال، با انجام برخی اصلاحات، الگو به برازش مطلوب‌تری دست یافت. همچنین، این نتایج نشان داد که متغیرهای پیشاینده، ضرایب مسیر معناداری بر انواع عشق دارند و عشق مصاحبتی و دلسوزانه بر متغیرهای پیامد الگو، اثرات معناداری دارند.

**نتیجه‌گیری:** به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر نحوه‌ی شکل‌گیری انواع عشق و نقش محوری آن‌ها در تعیین کیفیت رابطه و رضایت زناشویی را در بافت یک نمونه‌ی ایرانی نشان می‌دهد. این نتایج در بافت نظری و تجربی تبیین شد و تلویحات نظری و کاربردی آن ارائه شد.

**واژگان کلیدی:** عشق خیال‌انگیز، عشق مصاحبتی، عشق دلسوزانه، رضایت زناشویی، سلامت خانواده، الگویابی معادلات ساختاری.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>۲</sup> دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، \* نویسنده مسئول: nasrinarshadi@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>۴</sup> دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

## Designing and Testing a Model of Some Antecedents and Outcomes of Three Types of Love in Married Employees of Shahid Chamran University of Ahwaz

Aghamohamadi, S.; Arshadi, N.; Bassak nezhad, S.; Naami, A.

### Abstract:

**Introduction:** The purpose of this study was designing and testing a model of some antecedents and outcomes of three types of love in married employees of Shahid Chamran University of Ahwaz.

**Method:** The statistical population of present study was all married employees Chahid Chamran University were working in 2016. Researchers obtained 485 completed scales. They completed short forms of romantic, compassionate and friendship-based love scales, marriage expectation scale, NEO-FFI, experiences in close relationship scale, prosocial tendency measure, family health scale and marital satisfaction questionnaire. Before this research, in the pilot studies were prepared, short form of these scales by using confirmatory factor analysis. To test the proposed model, the structural modeling analysis, with application of Anderson & Gerbing's two-step approach was used. Also, to evaluate indirect effects in the model was used bootstrapping method.

**Results:** Results showed that the fit indices for proposed model are in the acceptable range; however, by imposing some modifications, the model fitness to the data improved. Also, the results showed that antecedent variables had significant path coefficients on the tree types of love and companionate and compassionate love had significant effects on the outcome variables.

**Conclusion:** Generally, the findings of present study shows the formation of love types and their essential role in determining the quality of relationship and marital satisfaction in the context of an Iranian sample. These results were explained in the theoretical and experimental context of theoretical and theoretical and practical implications were presented.

**Keywords:** romantic love, companionate love, compassionate love, marital satisfaction, family health, structural equation modeling.

### مقدمه

عشق<sup>۱</sup> پدیده‌ای جهانی است که در تمام اعصار تاریخ بشر وجود داشته است. ادب، فلاسفه، روان‌شناسان و مشاوران خانواده هر یک به زعم خود تعریف متفاوتی از عشق ارائه و نظریات

<sup>1</sup> love

مختلفی در مورد آن مطرح کرده‌اند (سابی، روئر و جنسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ مقوله‌ی عشق و روابط عاشقانه‌ی بین فردی توجه نظریه‌پردازان و پژوهشگران را به خود معطوف کرده و طبقه‌بندی‌های متعددی توسط پژوهشگرانی چون لی<sup>۲</sup> (۱۹۷۳)، استرنبرگ<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) و هندریک و هندریک<sup>۴</sup> (۱۹۸۶) مطرح شد. برشاید<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) طی بررسی انتقادات مطرح شده در مورد طبقه‌بندی‌های پیشین، سه نوع عشق شامل عشق خیال‌انگیز<sup>۶</sup>، مصاحبتی<sup>۷</sup> و دلسوزانه<sup>۸</sup> را از نظر مفهومی و روان‌سنجی معرفی کرده است.

عشق خیال‌انگیز دربردارنده‌ی احساسات شهوانی، عدم مدیریت هیجان‌های آتشین و برانگیختگی فیزیولوژیکی است (برشاید و ریگان<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵). عشق مصاحبتی، عشق بر مبنای حس عمیق دوستی، صمیمت و لذت بردن از فعالیت‌های مشترک، منافع مشترک و به اشتراک گذاشتن اوقات شادی است (گرات و فریز<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۴)؛ و عشق دلسوزانه شامل احساسات، شناخت‌ها و رفتارهایی است که بر مراقبت، نگرانی، دلسوزی، حمایت، کمک و درک انسان‌ها به‌طور عام، و شریک عشقی به‌طور خاص متمرکز است (کلارک و میلز<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۹).

در پیشینه‌ی نظری و پژوهشی، برای هر کدام از انواع عشق علل و پیامدهایی مطرح شده‌است. برای نمونه، در زمینه پیشایندهای عشق خیال‌انگیز، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد صفت روان‌رنجورخویی شخصیت پیش‌بین قدرتمندی برای عشق خیال‌انگیز است (کنماسا، کانیکوچی، دیبو و ایشیموری<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۴؛ هاتفیلد و راپسون<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۹). هنری و صارمی<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود دریافتند که سبک دلبستگی اضطرابی یک پیش‌بین قوی برای عشق وسواسی یا همان عشق خیال‌انگیز است. همچنین، رضایت از رابطه‌ی رمانتیک به انتظارات فرد از شریک عشقی بستگی دارد؛ نظام انتظارات فرد از شریک عشقی، از محیط خانوادگی اصلی، سبک دلبستگی و سلامت روان نشأت می‌گیرد؛ پس از آن فرد در هر رابطه‌ی جدیدی که وارد می‌شود، انتظارات اولیه‌ی خود را دارد و اگر شریک عشقی بتواند انتظارات فرد را برطرف سازد، هیجان‌ات اوج و عشق خیال‌انگیز شدت می‌گیرد؛ درمقابل هر چه رفتارهای شریک عشقی از انتظارات فرد فاصله داشته‌باشد یا

<sup>1</sup> Sabey , Rauer& Jensen

<sup>2</sup> Lee

<sup>3</sup> Sternberg

<sup>4</sup> Hendrick&Hendrick

<sup>5</sup> Berscheid

<sup>6</sup> Romantic love

<sup>7</sup> Companionate love

<sup>8</sup> Compassionate love

<sup>9</sup> Regan

<sup>10</sup> Grote & Frieze

<sup>11</sup> Clark & Mills

<sup>12</sup> Kanemasa, Taniguchi, Daibo&Ishimori

<sup>13</sup> Hatfield & Rapson

<sup>14</sup> Honari&Saremi

انتظارات فرد در مورد شریک عشقی ایده‌آل‌گرایانه باشد، دچار نارضایتی می‌شود و عشق خیال‌انگیز کاهش می‌یابد (برشاید، ۲۰۱۰).

در رابطه با پیشایندهای عشق مصاحبتی، برشاید (۲۰۱۰) معتقد است فردی که عشق مصاحبتی را در محیط خانوادگی و در دوران رشدی خود به صورت دلبستگی ایمن تجربه کرده‌است، در روابط بعدی به‌ویژه در رابطه با همسر، این عشق را تجربه خواهد کرد و بالاترین سطح رضایت را کسب می‌کند. در این راستا، نتایج پژوهش چوپیک، ایدلستین، ون اندرس، ورداگر، شیمین و سمپل استیل<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) نشان داد که افراد با سبک دلبستگی اجتنابی در رابطه با شریک عشقی نمی‌توانند احساس صمیمت و راحتی را تجربه کنند و در روابط با همسر، به حس عمیق دوستی نخواهند رسید. همچنین، یافته‌های پژوهش نتو<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) نشان داد که افرادی که دارای دلبستگی ایمن و سلامت روان بالاتری هستند، در ارتباط با شریک عشقی یا همسر، صمیمت عاطفی بیشتر، تعهد به انجام فعالیت‌های مشترک و رضایت جنسی بیشتری دارند. اوربوچ، وروف و هولمبرگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) نیز در پژوهش خود دریافتند که رفاقت، توافق‌پذیری، دوستی، مسئولیت‌پذیری نسبت به یکدیگر و مشارکت در فعالیت‌های مشترک (عشق مصاحبتی) مهمترین پیش‌بین سلامت ازدواج است. علاوه بر این، نتایج پژوهش گرات و فریز (۱۹۹۴) نشان می‌دهد که عشق مصاحبتی، ارتباط قوی با توافق، انجام فعالیت‌های مشترک، خشنودی از ارتباط و تلاش برای خشنودی طرف مقابل، اهمیت ارتباط و احترام به احساسات شریک عشقی دارد؛ و تمامی این متغیرها منجر به رضایت زناشویی می‌شود. همچنین یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که، همبستگی عشق مصاحبتی با رضایت زناشویی بیشتر از همبستگی عشق خیال‌انگیز با رضایت زناشویی است.

نظریات و پژوهش‌های متعدد، علل مختلفی را برای بروز عشق دلسوزانه مطرح کرده‌اند. برای مثال، مازلو<sup>۴</sup> (۱۹۵۴) نیاز به تعلق<sup>۵</sup>، بالبی<sup>۶</sup> (۱۹۶۹) دلبستگی مطمئن، رایس، کلارک و هولمز<sup>۷</sup> (۲۰۰۴) حس مراقبتی که فرد در دوران کودکی دریافت کرده است و آندروود<sup>۸</sup> (۲۰۰۹) حس نوع‌دوستی برای افزایش شکوفایی طرف مقابل را به عنوان پیشایندهای عشق دلسوزانه مطرح کرده‌اند. همچنین، نتایج دیگر پژوهش‌ها (برای مثال اسپریچر و فهر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵ و گیلان، میکولینسر، بیرنوم و شیور<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸) نشان می‌دهد که نمرات مقیاس عشق دلسوزانه در روابط عاشقانه‌ی موفق با جنس مخالف و ازدواج‌های پایدار در حد بالایی است. با این حال، نتایج برخی از پژوهش‌ها

<sup>1</sup> Chopik, Edelstein, van Anders, Wardecker, Shipman & Samples-Steele

<sup>2</sup> Neto

<sup>3</sup> Orbuch, Veroff & Holmberg

<sup>4</sup> Maslow

<sup>5</sup> belonging

<sup>6</sup> Bowlby

<sup>7</sup> Reis, Clark & Holmes

<sup>8</sup> Underwood

<sup>9</sup> Sprecher & Fehr

<sup>10</sup> Gillath, Mikulincer, Birnbaum & Shaver

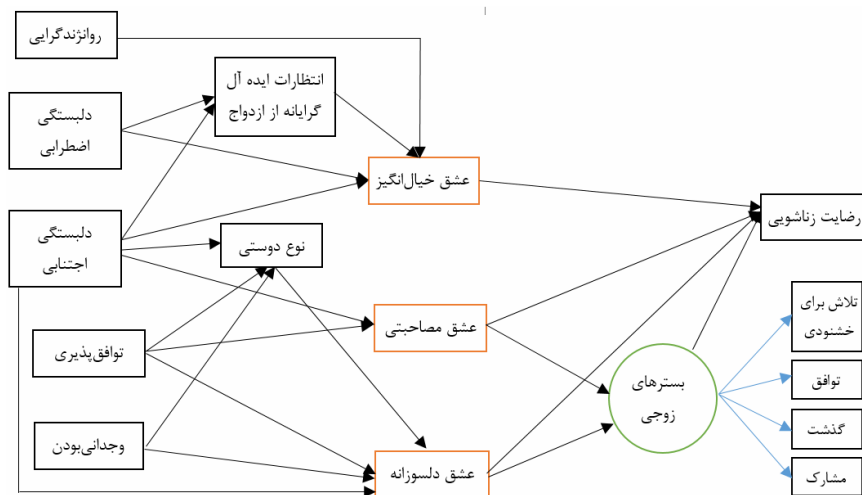
(برای مثال، ایمپت و گوردن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸؛ بن زیتف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵) نشان داده‌اند که اگرچه عشق دلسوزانه برای رسیدن به رضایت زناشویی ضروری است، اما اگر این عشق در یکی از طرفین وجود نداشته‌باشد یا در یکی از طرفین بیمارگون و افراطی باشد، باعث کاهش رضایت زناشویی خواهد شد. به‌علاوه، با بررسی علل نارضایتی زناشویی در ازدواج‌ها می‌توان دریافت که ملاک‌ها و معیارهای ازدواج موفق تغییر یافته‌است؛ به نحوی که نتایج پژوهش‌ها در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که عشق و وجود هیجانات شدید عاشقانه به یکی از اصلی‌ترین ملاک‌ها در ازدواج مبدل شده‌است (آماتو و ایروینگ، ۲۰۰۶). از طرف دیگر، امروزه در ایران اسلامی، موضوع طلاق به یکی از معضلات اصلی جامعه تبدیل شده‌است. طبق آمار رسمی ایران در سال ۱۳۸۶، از هر هزار مورد ازدواج حدود دویست مورد به طلاق منجر می‌شود (بهار، ۱۳۸۶) و این آمار به‌صورت تصاعدی رو به افزایش است (فاریابی و محمودآبادی، ۱۳۹۴).

علاوه‌بر این، شدت گرفتن پدیده نوظهور روابط عاشقانه‌ی برون خانواده در بین افراد مجرد و متأهل بسیار نگران‌کننده است. نکته قابل تأمل این است که اکثر ازدواج‌های ناموفق با یک نوع عشق آغاز می‌شود و این عشق در طی مدت کوتاهی تبدیل به هیجانات منفی و انتظارات نامتعادل می‌شوند، ولی هنوز علل ایجاد، افت و خیز این هیجانات آتشین و زودهنگام در افراد جامعه‌ی ایرانی مشخص نشده‌است.

در نهایت، بازنگری پیشینه‌ی پژوهشی موجود نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از پژوهش‌های پیشین به بررسی متغیرهای پیش‌آیند و پیامد سه نوع عشق معرفی شده توسط برشاید (۲۰۱۰) در یک الگوی واحد نپرداخته‌اند. شناسایی پیش‌آیندها و پیامدهای انواع عشق از یکسو به شناسایی بهتر ماهیت هر یک از انواع عشق کمک می‌کند و از سوی دیگر تعاریف نظری ارائه‌شده از انواع عشق از نظر تجربی و با استفاده از داده‌های میدانی مورد آزمون قرار می‌گیرد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر طراحی و آزمودن الگویی از برخی پیش‌آیندها و پیامدهای سه نوع عشق می‌باشد. متغیرهای پیش‌آیند در این پژوهش عبارتند از روان‌رنجورخوبی، وجدانی بودن، توافق‌پذیری، دلبستگی اضطرابی و اجتنابی، انتظارات ایده‌آل‌گرایانه‌ی از ازدواج و نوع دوستی؛ همچنین متغیرهای پیامد این پژوهش عبارتند از متغیر مکنون بستر زوجی سلامت خانواده ایرانی (شامل متغیرهای مشارکت، تلاش برای خشنودی دیگری، توافق بر سر مسائل اساسی و گذشت) و رضایت زناشویی. نهایتاً الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر در شکل ۱ ارائه شده‌است.

<sup>1</sup> Impett & Gordon

<sup>2</sup> Ben-Ze'ev



شکل ۱- الگوی پیشنهادی پژوهش

## روش

**طرح پژوهش:** طرح پژوهش حاضر، یک طرح همبستگی بوده که با استفاده از روش الگویابی معادلات ساختاری<sup>۱</sup> (SEM) در صدد بررسی همزمان روابط بین متغیرهای پژوهش در قالب یک الگو است. در روش الگویابی معادلات ساختاری که در واقع بسط الگوهای خطی کلی<sup>۲</sup> (GLM) است، مجموعه ای از معادلات رگرسیون به صورت همزمان بررسی می شود (کلاین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

**جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری:** جامعه آماری این پژوهش تمام کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز بودند که در سال ۱۳۹۴ مشغول به کار بودند. دو ملاک ورود افراد به پژوهش حاضر عبارت بود از گذشتن دو سال یا بیشتر از زمان ازدواج و داشتن مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر. کلیه کارکنان دانشگاه طبق آمار دانشگاه ۸۰۵ نفر اعلام شده بود که حدود ۶۵۰ نفر از آن‌ها شرایط ورود به پژوهش را داشتند. بنابراین کل ۶۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های پژوهش که شامل ۱۴۵ ماده بود در اختیار آن‌ها قرار گرفت. از بین گروه نمونه، ۵۰۱ نفر حاضر به همکاری شدند و به پرسش‌نامه‌های پژوهش پاسخ دادند. در نهایت، پس از حذف پرسش‌نامه‌های مخدوش و ناقص، تعداد ۴۸۵ نفر وارد تحلیل اصلی شدند که از این بین، ۲۷۷ زن (میانگین سنی ۳۶/۰۱ و انحراف استاندارد ۷/۵۱) و ۲۰۸ مرد (میانگین سنی ۳۸/۶۶ و انحراف

<sup>1</sup> Structural equation modeling /SEM

<sup>2</sup> Generalized linear model /GLM

<sup>3</sup> Kline

استاندارد (۷/۷۶) بودند. میانگین (انحراف معیار) طول مدت ازدواج و تعداد فرزندان افراد نمونه به ترتیب ۱۲/۲۶ (۸/۵۴) و ۱/۵۹ (۱/۲۴) بود. از بین اعضای گروه نمونه، ۱۶۸ نفر (۳۴/۶ درصد) دارای مدرک تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم، ۲۷۲ نفر (۵۶/۱ درصد) کارشناسی و ۴۵ نفر (۹/۳ درصد) کارشناسی ارشد و بالاتر بودند.

## ابزارهای پژوهش

**مقیاس عشق خیال‌انگیز<sup>۱</sup>:** این مقیاس توسط هاتفیلد و اسپیریچر (۱۹۸۶) برای بررسی اجزای شناختی، عاطفی، و رفتاری عشق خیال‌انگیز (رمانتیک) طراحی شده است. فرم کوتاه این مقیاس شامل ۱۵ گویه با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای است. هاتفیلد و اسپیریچر (۱۹۸۶) آلفای کرونباخ فرم ۱۵ سوالی مقیاس را ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند. روایی سازه‌ی این مقیاس توسط سازندگان این مقیاس و اسپیریچر و ریگان<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) مورد تأیید قرار گرفته است. مشخصات روان‌سنجی این مقیاس در ایران، در یک نمونه مجزا، شامل ۳۷۲ نفر از کارکنان متأهل دانشگاه صنعتی اصفهان، با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی بررسی شد و با توجه به این نتایج نسخه کوتاه ۱۱ گویه‌ای این مقیاس تهیه شد. نتایج نشان داد که ساختار یک عاملی نسخه کوتاه این مقیاس برازش نسبتاً خوبی با داده دارد (RMSEA=۰/۰۸۲، CFI=۰/۹۵، TLI=۰/۹۴) و پایایی آن با استفاده از شاخص پایایی مرکب<sup>۳</sup> (CRI، ریکوف<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷) و آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد. در پژوهش حاضر، پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه شد.

**مقیاس عشق بر مبنای دوستی (عشق مصاحبتی)<sup>۵</sup>:** این پرسش‌نامه توسط گرات و فریز (۱۹۹۴) برای بررسی اجزای شناختی، عاطفی و رفتاری عشق مصاحبتی ساخته شده است. این پرسش‌نامه دربردارنده ۹ گویه با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای است. نتایج پژوهش گرات و فریز (۱۹۹۴) نشان داد که این مقیاس در ارتباط با دیگر مقیاس‌های عشق، روایی همگرا و واگرایی مناسبی دارد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ است. ساختار عاملی و پایایی این مقیاس در ایران توسط آقامحمدی و ارشدی (۱۳۹۵، الف) بررسی شد. نتایج تحلیل عامل اکتشافی در این پژوهش نیز نشان داد که این مقیاس از یک عامل زیربنایی تشکیل شده است که پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ است. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد.

<sup>1</sup> Passionate love scale/PLS

<sup>2</sup> Sprecher & Regan

<sup>3</sup> Composite reliability index

<sup>4</sup> Raykov

<sup>5</sup> Friendship-based love scale/FBL

**مقیاس عشق دلسوزانه<sup>۱</sup>:** این مقیاس ۲۱ گویه‌ای توسط اسپیریچر و فهر (۲۰۰۵) برای سنجش رفتارها، احساسات و افکار معطوف به عشق دلسوزانه تدوین شد. پاسخگویی به این مقیاس بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس توسط اسپیریچر و فهر (۲۰۰۵)، ۰/۸۵ گزارش شده است. همچنین، این پژوهشگران در پژوهش خود دریافتند که این مقیاس از روایی مناسبی برای سنجش عشق دلسوزانه برخوردار است. مشخصات روان‌سنجی این مقیاس در ایران، در یک نمونه مجزا، شامل ۲۳۱ نفر از کارکنان متأهل شرکت گیتی‌پسند، با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی بررسی شد و با توجه به این نتایج نسخه کوتاه ۱۴ گویه‌ای این مقیاس تهیه شد. نتایج نشان داد که ساختار یک عاملی نسخه کوتاه این مقیاس برآزش نسبتاً خوبی با داده‌ها دارد (RMSEA=۰/۰۹۴، CFI=۰/۹۴، TLI=۰/۹۳) و پایایی آن با استفاده از شاخص پایایی مرکب و آلفای کرونباخ ۰/۹۵ محاسبه شد. در پژوهش حاضر، پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد.

**مقیاس انتظار از ازدواج<sup>۲</sup>:** این مقیاس دارای ۴۰ گویه با طیف سنجش لیکرتی ۵ درجه‌ای است که در سال ۱۹۹۶ توسط جونز و نلسون<sup>۳</sup> ساخته شده است. جونز و نلسون (۱۹۹۶) آلفای کرونباخ ۰/۸۰ را برای کل مقیاس گزارش کرده‌اند. همچنین نتایج بررسی روایی همگرای این مقیاس با مقیاس عشق خیال‌انگیز و مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق نشان داد که این مقیاس‌ها با یکدیگر همبستگی مثبت و معناداری دارند (جونز و نلسون، ۱۹۹۶). این مقیاس در ایران توسط نیلفروشان، عابدی، احمدی و نویدیان (۱۳۹۰) بر روی ۱۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی هنجاریابی شده است و اعتبار آن در نمونه ایرانی تأیید شده است. در پژوهش حاضر، از زیرمقیاس ۱۴ گویه‌ای انتظارات ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج استفاده شد که پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد.

**فرم کوتاه پرسش‌نامه‌ی پنج عاملی شخصیت نئو:** این پرسش‌نامه با استفاده از ۶۰ گویه، پنج عامل اصلی شخصیت، شامل روان‌نخورخویی، برونگرایی، توافق‌پذیری، انعطاف‌پذیری و وجدانی‌بودن، را با بکارگیری یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت می‌سنجد. نتایج پژوهش کاستا و مک‌کری<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) برای بررسی روایی و پایایی نسخه کوتاه شده نئو نشان داد که پایایی ابعاد این پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۸ (توافق‌پذیری) تا ۰/۸۶ (روان‌نخورخویی) قرار دارد و روایی این مقیاس مورد تأیید قرار گرفت. در ایران پژوهش‌های متعددی در زمینه بررسی روایی و پایایی این پرسش‌نامه انجام شده است که همگی از روایی و پایایی قابل قبول این پرسش‌نامه در جامعه‌ی ایرانی حمایت کرده‌اند (برای مثال روشن، شعیری،

<sup>۱</sup>- Compassionate love scale/CLS

<sup>۲</sup>- Marriage Expectation Scale /MES

<sup>۳</sup>- Jones & Nelson

<sup>۴</sup>- Costa & McCrae



عطری‌فرد، نیکخواه، قائم‌مقامی و رحیمی‌راد، (۱۳۸۵). در پژوهش حاضر از سه عامل روان‌رنجورخویی (۱۲ گویه)، توافق‌پذیری (۱۲ گویه)، و وجدانی بودن (۱۲ گویه) استفاده شد که پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۶ و ۰/۸۷ به دست آمد.

**فرم کوتاه مقیاس تجارب در روابط نزدیک<sup>۱</sup>:** این مقیاس که فرم کوتاهی از مقیاس ۳۶ سوالی تجارب در روابط نزدیک (برنن، کلارک و شیور<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷؛ نقل از وی، راشل، مالینگ رودت و واگل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷) است، توسط وی و همکاران (۲۰۰۷) تدوین شده است. این مقیاس دارای ۱۲ گویه است که تجارب در روابط نزدیک را در دو بعد اجتنابی و اضطرابی در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای مورد ارزیابی قرار می‌دهد. وی و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود پایایی و ساختار عاملی این مقیاس را مورد ارزیابی و تأیید قرار داده‌اند. خجسته‌مهر، کوچکی و رجبی (۱۳۹۱) در یک نمونه زوج ایرانی پایایی همسانی درونی و روایی سازه این مقیاس، با محاسبه همبستگی آن با فرم بلند، را بررسی کردند. نتایج نشان داد که همبستگی بعد اجتنابی و اضطرابی با فرم بلند به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۹۰ و پایایی این دو زیرمقیاس به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۲ است. در پژوهش حاضر، پایایی بعد اجتنابی و اضطرابی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۵۹ به دست آمد.

**مقیاس گرایش‌های اجتماعی مطلوب<sup>۴</sup>:** کارلو و رندال<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) این مقیاس ۲۳ گویه‌ای را برای ارزیابی شش گرایش اجتماعی مطلوب، شامل رفتارهای اجتماعی مطلوب جمعی، گمنام، در موقعیت بحرانی، هیجانی، متابعت‌آمیز و نوع‌دوستانه، تدوین کرده‌اند. کارلو و رندال (۲۰۰۲) در پژوهش خود روایی همگرا، واگرا و سازه و پایایی این مقیاس را مطلوب ارزیابی کردند. در ایران، عظیم‌پور، نیسی، شهینی‌بیلاق و ارشدی<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) روایی و ساختار عاملی این مقیاس را با استفاده از روش تحلیل عامل تأیید کردند و پایایی زیرمقیاس‌های آن را در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۸۷ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، از زیرمقیاس رفتارهای نوع‌دوستانه با ۵ گویه استفاده شد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۲ محاسبه شد.

**مقیاس سلامت خانواده:** مقیاس سلامت خانواده برای بررسی وضعیت سلامت خانواده‌های ایرانی توسط خدادادی در سال ۱۳۹۳ ساخته شد. این مقیاس دارای ۸۸ گویه با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای است که سلامت خانواده ایرانی را در شش بستر فردی، زوجی، خانوادگی، والدگری، فرهنگی-اجتماعی و دینی مورد سنجش قرار می‌دهد. هر کدام از این بسترها چندین زیرمقیاس جداگانه را در برمی‌گیرند. خدادادی (۱۳۹۳) روایی ابعاد این مقیاس را با استفاده از روش تحلیل عاملی تأیید و پایایی کل این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ گزارش کرده است.

<sup>1</sup> Experiences in Close Relationship Scale- Short form /ECR-S

<sup>2</sup> Brennan, Clark & Shaver

<sup>3</sup> Wei, Russell, Mallinckrodt & Vogel

<sup>4</sup> Prosocial Tendency Measure

<sup>5</sup> Carlo & Randall

<sup>6</sup> Azimpour, Neasi, Shehni-Yailagh & Arshadi

در پژوهش حاضر از زیرمقیاس‌های مشارکت (شامل ۴ گویه)، تلاش برای خشنودی دیگری (شامل ۴ گویه)، توافق بر سر مسائل اساسی (شامل ۵ گویه) و گذشت (شامل ۵ گویه) از بستر زوجی استفاده شد که پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۲، ۰/۹۱ و ۰/۸۶ به دست آمد.

**فرم کوتاه مقیاس رضایت زناشویی:** این مقیاس توسط رجبی (۱۳۸۸) برای ارزیابی و شناسایی زمینه‌های مشکل‌زا و پر بار رضایت زناشویی ساخته شده است. این مقیاس دارای ۱۳ گویه می‌باشد که به صورت طیف لیکرت پنج گزینه‌ای درجه‌بندی می‌شود. رجبی (۱۳۸۸) روایی همزمان این مقیاس را با پرسش‌نامه انریچ، بر روی کارکنان دانشگاه شهید چمران اهواز، ۰/۸۳ به دست آورده است و ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۸۹ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر، پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد.

**روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:** برای آزمون الگوی مفهومی پژوهش از روش تحلیل الگویابی معادلات ساختاری، با تبعیت از رویکرد دو مرحله‌ای پیشنهاد شده توسط اندرسون و گرینگ<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)، استفاده شد. در رویکرد دوم مرحله‌ای، ابتدا با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی ساختار عاملی و اعتبار متغیرهای مکنون پژوهش ارزیابی شد. در مرحله دوم، الگوی ساختاری<sup>۲</sup> پژوهش آزمون شد. شایان ذکر است که در تمامی مراحل از روش تحلیل حداکثر درست‌نمایی<sup>۳</sup> (ML) استفاده شد. در نهایت، به منظور بررسی برازش الگوهای اندازه‌گیری<sup>۴</sup> و ساختاری پژوهش با داده‌های تجربی، از شاخص‌های مجذور خی ( $K^2$ )، مجذور خی بر درجه آزادی ( $K^2/df$ )، شاخص نیکویی برازش<sup>۵</sup> (GFI)، شاخص برازش افزایشی<sup>۶</sup> (IFI)، شاخص برازش نرم شده<sup>۷</sup> (NFI)، شاخص تاکر لوئیس<sup>۸</sup> (TLI)، شاخص برازش مقایسه‌ای<sup>۹</sup> (CFI) و ریشه دوم میانگین خطای تقریب<sup>۱۰</sup> (RMSEA) استفاده شد. در نهایت، برای بررسی معناداری اثرات غیرمستقیم موجود در الگو، روش بوت‌استرپ<sup>۱۱</sup> به کار گرفته شد. برای تحلیل‌های الگویابی معادلات ساختاری از نسخه نوزدهم نرم‌افزار AMOS و برای تحلیل‌های مقدماتی و توصیفی از نسخه بیست و چهارم نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

<sup>1</sup> Anderson & Gerbing

<sup>2</sup> Structural model

<sup>3</sup> Maximum likelihood

<sup>4</sup> Measurement model

<sup>5</sup> Goodness of fit index

<sup>6</sup> Incremental fit index

<sup>7</sup> Normed fit index

<sup>8</sup> Tucker- Lewis index

<sup>9</sup> Comparative fit index

<sup>10</sup> Root mean square error of approximation

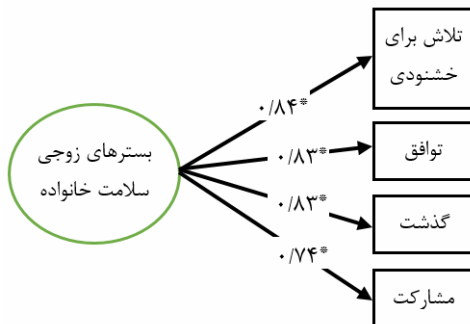
<sup>11</sup> Bootstrapping

## نتایج

**یافته‌های توصیفی:** آماره‌های توصیفی متغیرهای مشاهده‌شده الگوی پیشنهادی، شامل میانگین و انحراف معیار، به همراه ماتریس همبستگی دومتغیری (پیرسون) بین این متغیرها در جدول ۱ ارائه شده است.

**بررسی الگوی اندازه‌گیری با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی:** قبل از آزمون الگوی ساختاری پژوهش، ارتباط نشانگرها (مشارکت، گذشت، توافق و تلاش برای خشنودی دیگری) با متغیر مکنون بسترهای زوجی سلامت خانواده با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحلیل نشان داد که این الگوی اندازه‌گیری با داده‌های تجربی پژوهش برازش مطلوبی دارد (جدول ۲).

همچنین شکل ۲ ضرایب استاندارد و معناداری بارهای عاملی نشانگرها را در الگوی اندازه‌گیری متغیر مکنون پژوهش نشان می‌دهد.



شکل ۲- بررسی الگوی اندازه‌گیری پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی

(روش: حداکثر درست‌نمایی،  $P < 0/01$ )

نتایج ارائه شده در شکل ۲ نشان می‌دهد که تمامی نشانگرها بار عاملی معناداری بر متغیر مکنون بسترهای زوجی دارند. همچنین، اندازه شاخص پایایی مرکب برای این متغیر مکنون ۰/۸۹ محاسبه شد.

**بررسی الگوی ساختاری پژوهش:** الگوی ساختاری پژوهش در بردارنده پانزده متغیر است که هفت متغیر دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی، روان‌رنجورخویی، وجدانی بودن، توافق‌جویی، نوع‌دوستی و انتظارات ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج به‌عنوان متغیرهای پیش‌بیننده و دو متغیر بسترهای زوجی سلامت خانواده و رضایت زناشویی به‌عنوان متغیر پیامد برای سه نوع عشق در نظر گرفته شدند. این الگو با استفاده از روش تخمین حداکثر درست‌نمایی در الگوی معادلات ساختاری تحلیل شد و شاخص‌های برازش استخراج شد. جدول ۳ شاخص‌های برازش برای الگوی پیشنهادی پژوهش را نشان می‌دهد.

پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲۱، بهار ۹۵

جدول ۱- همبستگی پیرسون بین متغیرهای الگو به همراه آماره‌های توصیفی آن‌ها ( $P < .01$ ،  $P < .05$ )

متغیرهای مشاهده‌شده	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱-دلبستگی اجتنابی															
۲- دلبستگی اضطرابی	۰/۱۲**														
۳-توافق جویی	۰/۳۷**	۰/۱۸*													
۴-وجدانی بودن	۰/۲۶**	۰/۰۶	۰/۴۲**												
۵- روان‌رنجور خوبی	۰/۲۰**	۰/۲۵**	۰/۳۳**	۰/۳۹**											
۶-نوع‌دوستی	۰/۲۷**	۰/۱۱*	۰/۴۷**	۰/۳۸**	۰/۲۴**										
۷-انتظارات ایده‌آل گرایانه	۰/۲۶**	۰/۱۱*	۰/۱۶**	۰/۱۳**	۰/۰۳	۰/۱۴**									
۸-عشق مصاحبتی	۰/۵۱**	۰/۱۲**	۰/۴۳**	۰/۲۹**	۰/۲۸**	۰/۰۷	۱								
۹-عشق دلسوزانه	۰/۳۶**	۰/۱۱*	۰/۴۲**	۰/۳۹**	۰/۱۷**	۰/۵۷**	۰/۱۷**	۰/۳۲**	۱						
۱۰-عشق خیال‌انگیز	۰/۳۲**	۰/۲۶**	۰/۱۳**	۰/۰۵	۰/۱۳**	۰/۰۲	۰/۲۱**	۰/۳۶**	۰/۰۹	۱					
۱۱-مشارکت	۰/۴۰**	۰/۲۱**	۰/۳۹**	۰/۳۴**	۰/۳۵**	۰/۰۷	۰/۵۳**	۰/۳۳**	۰/۱۵**	۰/۱۵**	۱				
۱۲-تلاش برای خشنودی	۰/۵۰**	۰/۱۱*	۰/۴۵**	۰/۳۷**	۰/۲۹**	۰/۳۴**	۰/۱۰*	۰/۷۳**	۰/۳۲**	۰/۳۳**	۰/۵۵**	۱			
دیگری															
۱۳-توافق	۰/۴۴**	۰/۱۹**	۰/۴۳**	۰/۳۳**	۰/۳۵**	۰/۳۲**	۰/۰۶	۰/۶۶**	۰/۲۹**	۰/۲۴**	۰/۶۳**	۰/۶۵**	۱		
۱۴-گذشت	۰/۴۷**	۰/۱۸**	۰/۵۱**	۰/۴۰**	۰/۳۷**	۰/۴۱**	۰/۱۱*	۰/۶۷**	۰/۳۵**	۰/۲۱**	۰/۶۰**	۰/۷۵**	۰/۶۸**	۱	
۱۵-رضایت زناشویی	۰/۴۷**	۰/۲۲**	۰/۴۴**	۰/۲۹**	۰/۳۳**	۰/۲۶**	۰/۰۵	۰/۷۷**	۰/۲۵**	۰/۳۰**	۰/۵۹**	۰/۷۱**	۰/۶۸**	۰/۶۷**	۱
میانگین	۱۳/۹۳	۱۲/۰۳	۳۰/۶۸	۴۱/۰۶	۲۲/۵۹	۱۵/۲۹	۳۸/۱۳	۳۶/۷۴	۵۵/۲۱	۴۰/۶۷	۱۶/۳۲	۱۷/۵۳	۱۹/۱۰	۲۱/۱۷	۴۰/۲۴

جدول ۲- شاخص‌های برازش مربوط به تحلیل الگوی اندازه‌گیری، الگوی پیشنهادی و نهایی

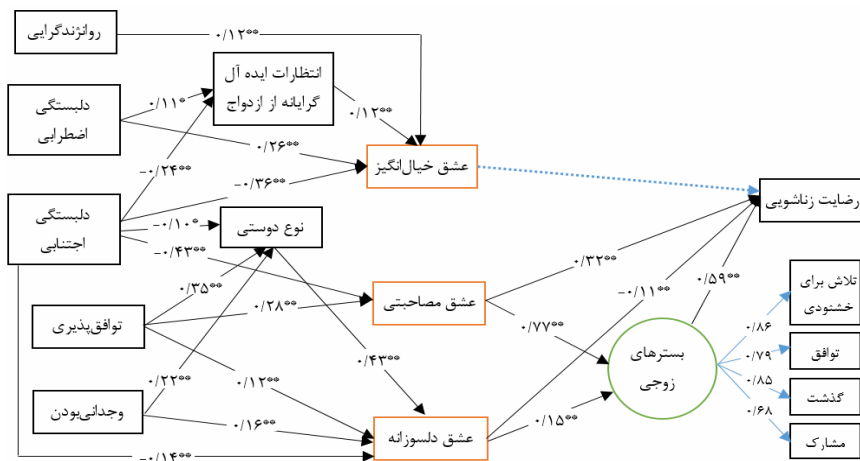
SRMR	RMSEA	CFI	TLI	NFI	IFI	GFI	$X^2/df$	df	$X^2$	الگوی
۰/۰۱۹	۰/۰۹۲	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۹۹	۱	۳/۲۵	۲	۶/۵۰	الگوی اندازه‌گیری
۰/۰۸۷	۰/۰۸۵	۰/۹۲	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۲	۴/۴۵	۷۰	۳۱۱/۷۰	الگوی پیشنهادی
۰/۰۸۷	۰/۰۸۳	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۹۳	۴/۲۳	۷۰	۲۹۶/۰۶	الگوی اصلاح‌شده (نهایی)

اگرچه نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که برخی از شاخص‌های برازش الگوی اولیه نشان دهنده‌ی برازش قابل قبول و مطلوبی برای الگوی اولیه است (برای مرور اندازه‌های قابل قبول برای شاخص‌های برازش نگاه کنید به هو و بنتلر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ هوپر و کوگلان و مولن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸)، با این حال، جهت بهبود برازش الگو، مسیر غیر معنادار عشق خیال‌انگیز به رضایت زناشویی حذف و یک کوواریانس خطا بین خطاهای دو نشانگر متغیر مکنون بسترهای زوجی سلامت خانواده به الگو اضافه شد. سپس، الگو برای بار دوم تحلیل و شاخص‌های برازش بررسی شد. شاخص‌های برازش برای الگو اصلاح‌شده نهایی در جدول ۲ ارائه شده است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که با اصلاح الگو، شاخص‌های برازش بهبود یافته‌اند و در حد مطلوبی هستند. بررسی اختلاف شاخص‌های دو در الگوی اولیه و اصلاح‌شده نیز نشان می‌دهد این اختلاف برابر با ۱۵/۶۴ است که با توجه به اختلاف درجه آزادی بین دو الگو ( $\Delta df=0$ ) نشان دهنده بهبود معنادار شاخص‌های برازش الگوی اصلاح‌شده نسبت به الگوی اولیه است. شکل ۲ الگوی نهایی پژوهش به همراه ضرایب مسیر استاندارد شده، معناداری این ضرایب و بار عاملی نشانگرها بر روی متغیر مکنون بسترهای زوجی را نشان می‌دهد.

<sup>1</sup> Hu & Bentler

<sup>2</sup> Hooper, Coughlan & Mullen



شکل ۳- پارامترهای برآورده شده در الگوی نهایی پژوهش ( $P < .05$ ،  $P < .01$ )

توجه: مسیر غیرمعنادار (حذف شده) با نقطه چین مشخص شده است.

نتایج ارائه شده در شکل ۲ نشان می‌دهد که تمامی مسیر الگوی نهایی پژوهش، در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادارند. این نتایج بدین معناست که الگوی ساختاری پژوهش نیز دارای برازش مطلوبی است. در نهایت، برای بررسی معناداری اثرات غیرمستقیم متغیرهای پیشایندها بر انواع عشق و اثرات غیرمستقیم انواع عشق بر متغیرهای پیامداز روش بوت‌استرپ (خودگردان‌سازی) با ۱۰۰۰ مرتبه نمونه‌گیری مجدد استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- اندازه و معناداری اثرات غیرمستقیم الگو

اثر غیرمستقیم	اندازه استاندارد	حد بالا	حد پایین	معداری حد
دلبستگی اضطرابی بر عشق خیال‌انگیز از طریق انتظارات ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج	۰/۰۱۱	۰/۰۲۷	۰/۰۰۳	۰/۰۱۵
دلبستگی اجتنابی بر عشق دل‌سوزانه از طریق نوع دوستی	۰/۰۴۰	۰/۰۱۲	۰/۰۷۴	۰/۰۱۱
دلبستگی اجتنابی بر عشق خیال‌انگیز از طریق انتظارات ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج	۰/۰۲۶	۰/۰۱۱	۰/۰۴۸	۰/۰۰۷
توافق‌پذیری بر عشق دل‌سوزانه از طریق نوع دوستی	۰/۱۴۶	۰/۱۸۸	۰/۱۱۰	۰/۰۰۱
وجدانی بودن بر عشق دل‌سوزانه از طریق نوع دوستی	۰/۰۹۲	۰/۱۲۸	۰/۰۶۳	۰/۰۰۱
عشق دل‌سوزانه بر رضایت زناشویی از طریق بسترهای زوجی سلامت خانواده	۰/۰۸۴	۰/۱۲۳	۰/۰۵۴	۰/۰۰۱
عشق مصاحبتی بر رضایت زناشویی از طریق بسترهای زوجی سلامت خانواده	۰/۴۵۹	۰/۵۴۰	۰/۳۷۹	۰/۰۰۲

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که تمامی اثرات غیرمستقیم مورد نظر در الگوی حاضر در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار هستند. شایان ذکر است زمانی که حدود بالا و پایین هر دو مثبت یا منفی باشند، اندازه اثر غیرمستقیم معنادار است.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و آزمودن الگویی از برخی پیشایندها و پیامدهای انواع عشق بر مبنای نظریه‌ی برشاید (۲۰۱۰) انجام گرفت. آنچه مبنای اندیشه‌ی طراحی چنین الگویی قرار گرفت، تعیین نحوه‌ی شکل‌گیری هر کدام از انواع عشق در افراد و اثرات آن بر کیفیت و رضایت زناشویی بود. این پژوهش، یکی از اولین مطالعات مربوط به بررسی شکل‌گیری این سه نوع عشق با تعریف ارائه‌شده‌ی برشاید (۲۰۱۰) است. بسیاری از روابط بین متغیرهای الگوی پیشنهادی حاضر که در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت، در پژوهش‌های پیشین نیز تأیید شده‌است، با این‌حال، بر اساس اطلاعات به‌دست آمده، تاکنون هیچ مطالعه‌ای تمامی این روابط را به طور همزمان در یک الگوی واحد بررسی نکرده‌است.

نتایج به‌دست آمده از مطالعه‌ی حاضر نشان داد که ۲۳ درصد از واریانس عشق خیال‌انگیز از طریق متغیرهای روان‌رنجورخوبی، دلبستگی اضطرابی، دلبستگی اجتنابی و انتظارات ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج تبیین شده‌است. یافته‌های حاصل از الگویابی معادلات ساختاری نشان داد که روان‌رنجورخوبی با ضریب مسیر مثبت بر عشق خیال‌انگیز اثر معناداری دارد (همسو با برشاید، ۲۰۱۰؛ هاتفیلد و راپسون، ۲۰۰۹؛ کنماسا و همکاران، ۲۰۰۴ و عبدی و گلزاری، ۱۳۸۹). افراد روان‌رنجور، دچار احساسات و عواطف شدید و مهارگسیخته هستند و به دلیل داشتن هیجانات بی‌ثبات و نامطمئن دچار عشق‌هایی با ماهیت وسواسی می‌شوند (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲) که ویژگی اصلی آن هیجانات شدید و بی‌ثبات است. همچنین، این افراد به دلیل داشتن صفت نگرانی و آسیب، در رابطه با شریک عشقی خود بسیار حسود و غیور هستند و ارتباطات صمیمانه کمتری برقرار می‌کنند؛ آنها همیشه در پی مراقبت افراطی، هیجانی و وسواسی از حریم عشق خود هستند و از شریک عشقی خود نیز انتظار دارند که مدام نیازهای آن‌ها را برآورده کند (کولینز و رید، ۱۹۹۰). یافته‌های پژوهش حاضر اثر مثبت دلبستگی اضطرابی بر عشق خیال‌انگیز را نیز تأیید کرده‌است. این نتایج با نتایج پژوهش کولینز و رید (۱۹۹۰)، گالو و اسمیت<sup>۲</sup> (۲۰۰۱)، چوپیک و همکاران (۲۰۱۴) و هو، چن، لی، هانگ، داساکو...و فنگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) همسو است. هازن و شیور<sup>۴</sup> (۱۹۸۷)، عنوان کرده‌اند که افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی، عشق وسواسی، اوج عواطف و احساسات منفی و مثبت،

<sup>1</sup> Collins & Read

<sup>2</sup> Gallo & Smith

<sup>3</sup> Hou, Chen, Liu, Yao, Huang, Ndasauka, ... & Fang

<sup>4</sup> Hazan & Shaver

جاذبه‌ی جنسی شدید و غیرت زیاد نسبت به شریک عشقی را تجربه خواهند کرد؛ بنابراین، روابط عاشقانه‌ی افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی، خیال‌انگیز، آتشین و غالباً کوتاه‌مدت است. یکی دیگر از نتایج این پژوهش، معناداری اثر غیرمستقیم دلبستگی اضطرابی بر عشق خیال‌انگیز از طریق انتظارات ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج است که با نتایج پژوهش برشاید (۲۰۱۰)، نتو (۲۰۱۵) و کاتینگهام، جرمن و ماتسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) هماهنگ است. افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی، نگرانی مرضی نسبت به شریک عشقی دارند (هاج<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸) و به‌طور وسواسی از وی مراقبت می‌کند و عشق خیال-انگیز و شهوانی در آنها رشد می‌یابد. همچنین، آنها به‌صورت کمال‌گرایانه‌ای انتظار دارند که شریک عشقیشان نیازهای آنها را برآورده کند (کولینز و رید، ۱۹۹۰) و انتظارات ایده‌آل‌گرایانه و دست نیافتنی از رابطه‌ی عاشقانه (انتظارات عاطفی، شناختی و جسمی) دارند و مدام منتظرند به همان شدتی که به شریکشان عشق می‌ورزند، او نیز به‌صورت وسواسی عشق‌ورزی کند (ونگلیستی و دلی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷). اثر منفی و معنادار سبک دلبستگی اجتنابی بر عشق خیال‌انگیز از دیگر نتایج این پژوهش بود؛ این نتایج نیز با هازن و شیور (۱۹۸۷)، کولینز و رید (۱۹۹۰)، گالو و اسمیت (۲۰۰۱) و چوپیک و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. در تبیین این نتایج، می‌توان گفت، افراد با سبک اجتنابی، قادر به نزدیک شدن هیجانی، عاطفی و جسمی به شریک عشقی خود نیستند، این در حالیست که تعریف اصلی عشق خیال‌انگیز دربردارنده هیجانات شدید و نزدیکی وسواس‌گونه‌ی جسمی، عاطفی و هیجانی به شریک عشقی است (فیشر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴)، بنابراین کاملاً محرز است که رابطه‌ی بین سبک دلبستگی اجتنابی و عشق خیال‌انگیز منفی است.

در مورد پیامدهای عشق خیال‌انگیز، در پیشینه‌ی پژوهشی نتایج ضد و نقیضی در مورد نقش این عشق در رضایت از رابطه وجود دارد. برخی از پژوهش‌ها عشق خیال‌انگیز را عامل بی‌ثباتی ازدواج و کاهش رضایت و کیفیت زناشویی می‌دانند (مانند آماتو و ایروینگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶) و گروه بزرگتری از پژوهش‌ها عشق خیال‌انگیز را عامل اصلی رضایت از رابطه معرفی کرده‌اند (برای مثال، کایسر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۳؛ ویسمن، دایکسن و جانسون<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷؛ عدالتی و رزون<sup>۸</sup>، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر همبستگی پیرسون عشق خیال‌انگیز و رضایت زناشویی مثبت و معنادار است، اما زمانیکه عشق خیال‌انگیز، مصاحبتی، دلسوزانه و بسترهای زوجی برای پیش‌بینی رضایت زناشویی وارد معادله‌ی رگرسیون می‌شود، این ارتباط معناداری خود را از دست می‌دهد. این نتایج به این معناست که بخاطر همبستگی بین عشق خیال‌انگیز و مصاحبتی، اثر عشق خیال‌انگیز بر رضایت زناشویی با کنترل

<sup>1</sup> Cunningham, German & Mattson

<sup>2</sup> Hatch

<sup>3</sup> Vangelisti & Daly

<sup>4</sup> Fisher

<sup>5</sup> Amato & Irving

<sup>6</sup> Kayser

<sup>7</sup> Whisman, Dixon & Johnson

<sup>8</sup> Redzuan



عشق مصاحبتی به‌طور خاص از بین می‌رود. اسپیریچر و ریگان (۱۹۹۸) در تبیین این همپوشی اظهار می‌دارند که اجزای فیزیولوژیکی جنسی (به عنوان مثال، هیجان جنسی، انگیزش جنسی، میل جنسی) از ویژگی‌های مهم تجربه عشق خیال‌انگیز است؛ احساسات جنسی ذهنی مربوط به نزدیکی، رضایت، و سازگاری (به عنوان مثال، صمیمیت جنسی) نیز بخش مهمی از تجربه عشق مصاحبتی هستند.

در مورد عشق مصاحبتی، نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که ۳۴ درصد از واریانس عشق مصاحبتی توسط متغیرهای توافق‌پذیری و دلبستگی اجتنابی تبیین می‌شود. همچنین، ضریب تأثیر دلبستگی اجتنابی بر عشق مصاحبتی منفی و معنادار است که با نتایج هاج (۲۰۰۸)، چوپیک و همکاران (۲۰۱۴) و خجسته‌مهر، احمدی و سودانی (۱۳۹۳) همسو است. همان‌گونه که مطرح شد، افراد با سبک دلبستگی اجتنابی، ترس از صمیمیت با شریک عشقی، بی‌اعتمادی و وسواس نسبت به برقراری صمیمیت عاطفی دارند و قادر به برقراری روابط نزدیک عاطفی و هیجانی با دیگران نیستند. این افراد، روابط ناسازگار و بی‌کیفیت تشکیل می‌دهند، زیرا همیشه از فرد محبوبشان اجتناب می‌کنند (هازن و شیور، ۱۹۸۷). بنابراین، بر اساس پیشینه‌ی نظری این گونه افراد قادر به برقراری عشقی که دارای سطوح بالایی از صمیمیت و مشارکت است، نیستند. در مقابل، بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد با سبک دلبستگی ایمن، روابط صمیمی بر مبنای اعتماد متقابل و تماس عاطفی نزدیک تشکیل می‌دهند (فرالی و دیویس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). فرضیه‌ی دیگر الگوی پژوهش تأثیر مثبت بین صفت توافق‌پذیری شخصیت بر عشق مصاحبتی بود که توسط داده‌های پژوهش تأیید شد. این نتایج با نتایج پژوهش‌های کمپبل و کافمن<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، لافریت، برتونی، مارگولا، سیگولی و آسیتلی<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) و احتمالاً، سوآمی، کامور پرمیوزیک<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) هماهنگی دارد. به طور کلی، افرادی که توافق‌پذیری بالایی دارند، به طور مؤثرتری دیگران را درک می‌کنند و در تعاملات اجتماعی و داد و ستدهای عاطفی ماهرتر هستند (توبین، گرازیانو، وانمان و تاسینری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰). این ویژگی‌ها باعث می‌شود که افراد توافق‌پذیر برای تشکیل عشق مصاحبتی افراد مناسبی باشند (احتمالاً و همکاران، ۲۰۱۰). به علاوه، افراد توافق‌پذیر احساسات مثبت و منفی متعادل‌تری دارند که این لازمه‌ی عشق مصاحبتی است (جنسن-کمپل و گرازیانو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱).

تأثیر عشق مصاحبتی بر متغیرهای پیامد نیز نشان داد که این نوع از عشق اثر مثبت و نیرومندی بر رضایت زناشویی دارد. این نتایج با نتایج بسیاری از پژوهش‌ها از جمله زاده و بزرگی<sup>۷</sup>

<sup>1</sup> Fraley & Davis

<sup>2</sup> Campbell & Kaufman

<sup>3</sup> Lafrate, Bertoni, Margola, Cigoli & Acitelli

<sup>4</sup> Ahmetoglu, Swami, & Chamorro-Premuzic

<sup>5</sup> Tobin, Graziano, Vanman & Tassinari

<sup>6</sup> Jensen-Campbell & Graziano

<sup>7</sup> Zadeh & Bozorgi

(۲۰۱۶)، ارشدی و آقامحمدی (۱۳۹۵)، کرامر و جوت<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، گاتمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) و گرات و فریز (۱۹۹۴) هم راستا است. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان از لحاظ نظری اعتقاد دارند که عشق مصاحبتی در ازدواج، بالاترین سطح رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند (برشاید، ۲۰۱۰)؛ زیرا اساس زندگی زناشویی آرام و رضایت‌بخش، دوستی دو زوج و لذت بردن از فعالیت‌های مشترک است. همچنین، طبق نتایج پژوهش خدادادی (۱۳۹۳) یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی خانواده‌ی سالم ایرانی ویژگی‌های موجود در بسترهای زوجی، شامل تلاش برای خشنودی دیگری، توافق بر سر مسائل اساسی، مشارکت و همکاری و بخشش است. نتایج پژوهش‌ها (بن زیغف، ۲۰۱۵) نشان می‌دهد که رضایت زناشویی تحت تأثیر مؤلفه‌های بسترهای زوجی است. از سوی دیگر، افراد دارای عشق مصاحبتی بر اساس تعریف مفهومی، به دنبال رابطه‌ی داد و ستدی بر مبنای قانون پاداش و تنبیه هستند و مشارکت و دوستی را اصل اساسی رابطه‌ی خود می‌پندارند (برشاید، ۲۰۱۰)؛ به این طریق بسترهای زوجی می‌تواند نقش میانجیگری بین عشق مصاحبتی و رضایت زناشویی را تبیین کند. گرات و فریز (۱۹۹۴) نیز به‌عنوان نظریه‌پردازان اصلی عشق مصاحبتی، ارتباط بین عشق مصاحبتی با توافق بر سر مسائل اساسی، انجام فعالیت‌های مشترک و مشارکت با یکدیگر، خشنودی از ارتباط و تلاش برای خشنودی دیگری و گذشت در برابر خطاهای طرف مقابل را مطرح کرده‌اند. در مورد عشق دلسوزانه، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که حدود ۴۰ درصد از واریانس عشق دلسوزانه توسط متغیرهای دلبستگی اجتنابی، وجدانی‌بودن، توافق‌پذیری و نوع دوستی تبیین می‌شود. اولین فرضیه‌ی مربوط به عشق دلسوزانه، اثر منفی دلبستگی اجتنابی بر این عشق بود که داده‌های پژوهش آن را تأیید نمود. این نتایج با نتایج پژوهش اسپیریچر و فهر (۲۰۱۱)، فهر و اسپیریچر (۲۰۱۳) و فهر و هاراسیمچاک<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) هم راستاست. نیاز اساسی به مراقبت که بالی (۱۹۶۹) آن را بیان کرد، به واکنش انسان‌ها به رنج هم‌نوعان و تلاش برای کاهش این رنج باز می‌گردد. وی معتقد است تنها افرادی می‌توانند این مراقبت دلسوزانه را تجربه کنند، که مراقبت بی قید و شرطی از مراقبین اصلی خود دریافت کرده‌باشند. عشق دلسوزانه نیز نوعی نگرش به دیگران است که فرد در این نوع نگرش به سمت دیگران حرکت می‌کند تا به آن‌ها مراقبت، حمایت، کمک، درک و پذیرش بدون شرط هدیه دهد (اسپیچر و فهر، ۲۰۰۵)؛ بنابراین، مشخص است که افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی قادر به حرکت به سمت دیگران نیستند و عشق دلسوزانه نمی‌تواند در آن‌ها شکل بگیرد، زیرا این افراد، با علل نوع دوستانه و مهربانانه برانگیخته نمی‌شوند، نسبت به دیگران خصومت بیشتری دارند، برای ماهیت انسان احترام کمتری قائلند و یک ایدئولوژی فردگرا و منحصر به فرد برای خود اتخاذ می‌کنند (میکولینسر و شیور<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). از دیگر نتایج پژوهش حاضر تأثیر مثبت و معنادار نوع دوستی و صفات شخصیتی توافق‌پذیری و وجدانی‌بودن بر عشق دلسوزانه است؛

<sup>1</sup> Cramer & Jowett

<sup>2</sup> Gottman

<sup>3</sup> Harasymchuk

<sup>4</sup> Mikulincer & Shaver

همچنین، این دو صفت شخصیتی به‌طور غیرمستقیم و از طریق نوع‌دوستی نیز بر عشق دلسوزانه اثرگذارند. پژوهش‌های پیشین ارتباط مثبت و مستقیم بین عشق دلسوزانه با توافق‌پذیری (آندروود، ۲۰۰۹؛ برشاید، ۲۰۱۰) و وجدانی‌بودن (انگل و همکاران، ۲۰۰۲؛ برشاید، ۲۰۱۰) و نوع‌دوستی (رایس و همکاران، ۲۰۰۴؛ برشاید، ۲۰۱۰؛ فهر، هاراسیمچاک و اسپیچر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴) را تأیید نموده‌اند. افراد توافق‌پذیرگرایش‌های مطلوب اجتماعی، از جمله نوع‌دوستی، همدردی و اشتیاق به کمک کردن به دیگران دارند (هیلبیگ، کلونکر و زلتر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). بنابراین، نوع‌دوستی نقش مهمی در رابطه‌ی بین توافق‌پذیری و عشق دلسوزانه ایفا می‌کند (هیل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). به‌علاوه، افراد وجدانی، انسان‌های قابل اعتماد، هدفمند و متعهدی هستند و این ویژگی‌ها منجر به افزایش تمهد آن‌ها به روابط نزدیک خواهد شد (انگل، اولسون و پاتریک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). رایس و همکاران (۲۰۰۴) نیز در پژوهش خود دریافتند که حس مراقبتی که فرد در دوران کودکی از طرف مراقبین اولیه درک می‌کند، در روابط عاشقانه‌ی بزرگسالی به حس نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری نسبت به شریک عشقی تبدیل می‌گردد و فرد با این طرحواره‌ی نوع‌دوستی، به همه‌ی بشریت عشق می‌ورزد. آندروود (۲۰۰۹) نیز صراحتاً اعلام کرد که عشق دلسوزانه با نوع‌دوستی، هالگوی و همدردی متفاوت ولی همبسته است؛ زیرا عشق دلسوزانه مانند نوع‌دوستی، هالگوی و همدردی فقط یک پاسخ عاطفی نیست، بلکه شامل اقداماتی در جهت رفع رنج و افزایش شکوفایی دیگری است.

بررسی تأثیر عشق دلسوزانه بر متغیرهای پیامد نشان داد، زمانی که عشق دلسوزانه منجر به بسترهای زوجی سلامت خانواده شود، تأثیر مثبت و معناداری بر رضایت زناشویی دارد، اما عشق دلسوزانه‌ای که نتواند بسترهای زوجی سلامت خانواده را ایجاد کند، رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد. تعریف آندروود (۲۰۰۹) از عشق دلسوزانه، صرف زمان و انرژی برای دیگری است، به‌طوری که عاشق دلسوز برای دیگری گذشت می‌کند، در جهت خشنودی دیگری تلاش می‌کند، همیشه در حال توافق با شریک عشقی خود است و در پی رفع نیازهای شریک خود با او مشارکت و همکاری می‌کند. اینگونه نگرش‌ها و رفتارها، همان بسترهای زوجی خانواده‌ی سالم است. بنابراین، عشق دلسوزانه‌ای که بتواند این مؤلفه‌ها را در رابطه‌ی زوجی ایجاد کند، منجر به افزایش رضایت زناشویی می‌شود. نتایج پژوهش‌های قبلی نیز نشان می‌دهد که عاشقان دلسوز، تمامی نیازهای شریک خود را در جهت خوشحال کردن او برطرف می‌سازند (به عنوان مثال، کلارک و مونین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶؛ رایس، ۲۰۱۰؛ فهر، هاراسیمچاک و جوریلوک<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰)، در رابطه‌ی زوجی گذشت می‌کنند (لامبرت و دلاهیته<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸؛ فهر و هاراسیمچاک، ۲۰۱۳؛ سابی، روتر و جنسن، ۲۰۱۴)، توافق و

<sup>1</sup> Fehr, Harasymchuk & Sprecher

<sup>2</sup> Hilbig, Glöckner & Zettler

<sup>3</sup> Hill

<sup>4</sup> Engel, Olson & Patrick

<sup>5</sup> Monin

<sup>6</sup> Gouriluk

<sup>7</sup> Lambert & Dollahite

سازگاری بالایی در رابطه دارند (فهر و اسپریچر، ۲۰۱۳) و در رفع نیازهای شریک عشقی خود مشارکت بالایی دارند (فهر و همکاران، ۲۰۱۴) و همه‌ی این متغیرها منجر به رضایت زناشویی می‌گردد (فهر و همکاران، ۲۰۱۴ و رایس، مانیاسی و راگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). با این حال، در الگوی حاضر، ضریب مسیر عشق دلسوزانه به رضایت زناشویی همزمان با حضور (کنترل) متغیرهای عشق مصاحبتی و بسترهای زوجی منفی است. این یافته به این معنی است که در زوجینی که عشق مصاحبتی و بسترهای زوجی ضعیف باشد یا حضور نداشته باشد، عشق دلسوزانه‌ی بیشتر با رضایت زناشویی پایین تری همراه است. بر اساس نظر برشاید (۲۰۱۰) عشق دلسوزانه‌ای که معطوف به شریک عشقی باشد، منجر به مؤلفه‌های سلامت خانواده می‌شود و رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد، ولی عشق دلسوزانه‌ای که معطوف به شریک عشقی نباشد، زمینه‌ای را برای کاهش رضایت زناشویی ایجاد می‌کند. استافورد، دیوید و مکفرسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) در پژوهش خود دریافتند که اگرچه عشق دلسوزانه نقش مهمی در افزایش رضایت دارد، ولی ایثارگری افراطی که منجر به توجه و مراقبت به کل بشریت گردد، منجر به احساسات منفی، تعارض، دعوا و نارضایتی زناشویی می‌گردد.

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر نحوه شکل‌گیری انواع عشق و نقش محوری آن‌ها در تعیین کیفیت رابطه و رضایت زناشویی را در بافت یک نمونه ایرانی نشان می‌دهد؛ به‌طوری که انواع عشق به همراه بسترهای زوجی سلامت خانواده، واریانس قابل توجهی (بیش از ۷۲ درصد) از رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. همچنین، نتایج این پژوهش تأثیرات متقابل انواع عشق در تبیین تغییرات رضایت زناشویی را به‌خوبی نمایان ساخت. در نهایت، این یافته‌ها می‌تواند به‌منظور ارتقاء کیفیت و رضایت زناشویی مراجعان، رهگشای زوج‌درمانگران باشد؛ به‌طوری که از یک سو با تمرکز بر ایجاد و تقویت عشق مصاحبتی در زوجین و از سوی دیگر با توجه به تأثیرات مثبت و منفی دیگر انواع عشق، به‌خصوص عشق دلسوزانه، بتوانند در پیشبرد این اهداف گامی مؤثرتر بردارند. محدودیت اصلی پژوهش حاضر گردآوری داده‌ها از یک جامعه‌ی آماری محدود و به‌صورت مقطعی بود، بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، الگوی مفهومی مذکور با استفاده از داده‌های طولی در جوامع آماری دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

ارشدی، نسرین. و آقامحمدی، سمیه. (۱۳۹۵، الف). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس عشق مصاحبتی. مجموعه مقالات سومین کنگره‌ی ملی روان‌شناسی اجتماعی. انجمن روان‌شناسی اجتماعی، تهران، اردیبهشت ۱۳۹۵.

<sup>1</sup> Reis, Maniaci & Rogge

<sup>2</sup> Stafford, David & McPherson

- آقامحمدی، سمیه. و ارشادی، نسرین. (۱۳۹۵، ب). عشق مصاحبتی و رضایت زناشویی کارکنان: نقش تعدیل کننده جنسیت. مجموعه مقالات سومین کنگره‌ی ملی روان‌شناسی اجتماعی. انجمن روان‌شناسی اجتماعی، تهران، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- بهاری، سیفاله. (۱۳۸۶). بررسی میزان رضایت زناشویی ازدواج‌های دانشجویی و عوامل مؤثر بر آن. نوآوری‌های مدیریت آموزشی، ۲(۴)، ۲۷-۴۰.
- خجسته‌مهر، رضا؛ احمدی، منیژه. و سوندانی، منصور. (۱۳۹۳). نقش تعدیل‌کنندگی تعهد دینی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نایمن و صمیمیت زناشویی. روان‌شناسی معاصر، ۹(۱)، ۴۳-۵۴.
- خجسته‌مهر، رضا؛ کوچکی، رحیم. و رجبی، غلام رضا. (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای اسنادهای ارتباطی و راهبردهای حل تعارض غیرسازنده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت زناشویی. روان‌شناسی معاصر، ۲(۷)، ۳-۱۴.
- خدادای، جواد. (۱۳۹۳). تعیین و شناسایی شاخص‌های سلامت خانواده و ارائه‌ی الگو خانواده‌ی سالم مبتنی بر عوامل فرهنگی- اجتماعی. پایان‌نامه‌ی دکتری تخصصی مشاوره‌ی خانواده، تهران: دانشگاه خوارزمی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- رجبی، غلام رضا. (۱۳۸۸). ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارکنان متاهل دانشگاه شهید چمران اهواز. روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۵(۴)، ۳۵۱-۳۵۸.
- روشن، رسول؛ شعیری، محمدرضا؛ عطری فرد، مهدیه؛ نیکخواه، اکبر؛ قائم مقامی، بهاره؛ رحیمی راد، اکرم. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه شخصیتی ۵ عاملی نئو (NEO-FFI). دانشور رفتار، ۱۶، ۳۶-۲۷.
- عبدی، حمزه. و گلزاری، محمود. (۱۳۸۹). ارتباط بین سبک‌های عشق و ویژگی‌های شخصیت. روان‌شناسی و دین، ۳(۱۱)، ۵۳-۷۴.
- فاریابی، ظهیرالدین. و زارعی محمودآبادی، حسرت. (۱۳۹۴). بررسی و مقایسه‌ی سازگاری زناشویی، شادکامی و میل به طلاق در ازدواج‌های سنتی و غیرسنتی شهر یزد. دانشکده‌ی بهداشت یزد، ۴(۳)، ۸۳-۹۴.
- نیلفروشان، پریسا؛ عابدی، احمد؛ احمدی، احمد. و نویدیان، علی. (۱۳۹۰). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس انتظار از ازدواج. مجله‌ی علوم رفتاری، ۵(۱)، ۱۹-۱۱.

Ahmetoglu, G., Swami, V., & Chamorro-Premuzic, T. (2010). The relationship between dimensions of love, personality, and relationship length. *Archives of sexual behavior*, 39(5), 1181-1190.

Amato, P. R., & Irving, S. (2006). Historical trends in divorce in the United States. In M. A. Fine, & J. H. Harvey: (Eds). *Handbook of Divorce and Relationship Dissolution*, Mahwah, NJ: Erlbaum. pp. 41-58.

Anderson, J. C., & Gerbing, D. W. (1988). Structural equation modeling in practice: A review and recommended two-step approach. *Psychological bulletin*, 103(3), 411.

Azimpour, A., Neasi, A., Shehni-Yailagh, M., & Arshadi, N. (2012). Validation of "Prosocial tendencies measure" in Iranian university students. *Journal of Life Science and Biomedicine*, 2(2), 34-42.

Ben-Ze'ev, A. (2015). Satisfaction and Commitment in Long-Term Heterosexual Relationships. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2nd edition, 20, 912-917.

Berscheid, E., & Regan, P. C. (2005). *The psychology of interpersonal relationships*. New York: Prentice Hall.

Berscheid, E. (2006). Searching for the meaning of "love." In Sternberg, R. J., & Weis, K. (Eds.). *The new psychology of love*. Yale University Press. pp. 171-183.

Berscheid, E. (2010). Love in the fourth dimension. *Annual Review of Psychology*, 61, 1-25.

Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss. Volume 1: Attachment*. New York: Basic Books.

Burgess, E. W. (1926). The romantic impulse and family disorganization. *Survey*, 57, 290-95.

Campbell, K., & Kaufman, J. (2015). Do You Pursue Your Heart or Your Art? Creativity, Personality, and Love. *Journal of Family Issues*, 0192513X15570318.

Carlo, G., & Randall, B. A., (2002). The Development of a Measure of Prosocial Behaviors for Late Adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 31(1), 31-44.

Chopik, W. J., Edelstein, R. S., van Anders, S. M., Wardecker, B. M., Shipman, E. L., & Samples-Steele, C. R. (2014). Too close for comfort? Adult attachment and cuddling in romantic and parent-child relationships. *Personality and Individual Differences*, 69, 212-216.

Clark, M. S., & Mills, J. (1979). Interpersonal attraction in exchange and communal relationships. *Journal of personality and social psychology*, 37(1), 12.

Clark, M. S., Monin, J. K. (2006). Giving and receiving communal responsiveness as love. See Sternberg & Weis 2006, 200-21.

Collins, N.L., & Read, S.J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-630.

Costa, P. T. & McCrae, R. R. (1992). Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) manual. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.

Cramer, D., & Jowett, S. (2010). Perceived empathy, accurate empathy and relationship satisfaction in heterosexual couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 27(3), 327-349.

Cunningham, K., German, N. M., & Mattson, R. E. (2015). Regretful liaisons: Exploring the role of partner regret in the association between sexual and relationship satisfaction. *Journal of sex & marital therapy*, 41(3), 325-338.

Edalati, A., & Redzuan, M. R. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science*, 6(4), 132-7.

Engel, G., Olson, K. R., & Patrick, C. (2002). The personality of love: Fundamental motives and traits related to components of love. *Personality and Individual Differences*, 32(5), 839-853.

Epstude, K., & Förster, J. (2014). Corrigendum to "Seeing love, or seeing lust: How people interpret ambiguous romantic situations"[J. Exp. Soc. Psychol. 47 (2011) 1017–1020]. *Journal of Experimental Social Psychology*, (54), 216.

Fehr, B., Harasymchuk, C., & Sprecher, S. (2014). Compassionate love in romantic relationships A review and some new findings. *Journal of Social and Personal Relationships*, 0265407514533768.

Fehr, B., Harasymchuk, C., & Gouriluk, J. (2010, June). Validation of the quadrumvirate model of love. Invited paper presented at the Canadian Psychological Association Conference (Social Psychology Faculty Symposium on Romantic Relationships), Winnipeg, MB.

Fehr, B., & Sprecher, S. (2013). Compassionate love: What we know so far. *Positive psychology of love*, 106-120.

Fisher, H. (2004). *Why we love: The nature and chemistry of romantic love*. Macmillan.

Fraley, R. C., & Davis, K. E. (1997). Attachment formation and transfer in young adults' close friendships and romantic relationships. *Personal relationships*, 4(2), 131-144.

Gallo, L.C., & Smith, T.W. (2001). Attachment style in marriage: Adjustment and responses to interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 18, 263-289.

Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy*. New York: Norton.

Gillath, O., Mikulincer, M., Birnbaum, G. E., & Shaver, P. R. (2008). When sex primes love: Subliminal sexual priming motivates relationship goal pursuit. *Personality and Social Psychology Bulletin*.

Grote, N. K., & Frieze, I. H. (1994). The measurement of friendship-based love in intimate relationships. *Personal Relationships*, 1(3), 275-300.

Hatch, D. L. (2008). *Factors that influence the association between adult attachment and marital satisfaction*. UTAH STATE UNIVERSITY.

Hatfield, E., & Sprecher, S. (1986). Measuring passionate love in intimate relationships. *Journal of adolescence*, 9(4), 383-410.

Hatfield, E., & Rapson, R. L. (2009). The neuropsychology of passionate love. *Psychology of Relationships*. Nova Science Publishers.

Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52(3), 511.

Hazan, C., & Shaver, P. (1994). Attachment as an organizational framework for research on close relationships. *Psychological Inquiry*, 5, 1-22.

- Hendrick, C., & Hendrick, S. S. (1986). A theory and method of love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 392-402.
- Hilbig, B. E., Glöckner, A., & Zettler, I. (2014). Personality and prosocial behavior: Linking basic traits and social value orientations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 107(3), 529.
- Hill, E. M. (2016). Posthumous organ donation attitudes, intentions to donate, and organ donor status: Examining the role of the big five personality dimensions and altruism. *Personality and Individual Differences*, 88, 182-186.
- Honari, B., & Saremi, A. A. (2015). The Study of Relationship between Attachment Styles and Obsessive Love Style. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 165, 152-159.
- Hooper, D., Coughlan, J., & Mullen, M. (2008). Structural equation modelling: Guidelines for determining model fit. *Articles*, 2.
- Hou, J., Chen, X., Liu, J., Yao, F., Huang, J., Ndasauka, Y., & Fang, X. (2016). How Does Adult Attachment Affect Human Recognition of Love-related and Sex-related Stimuli: An ERP Study. *Frontiers in psychology*, 7.
- Hu, L. T., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural equation modeling: a multidisciplinary journal*, 6(1), 1-55.
- Impett, E. A., & Gordon, A. (2008). For the good of others: Toward a positive psychology of sacrifice. *Positive psychology: Exploring the best in people*, 2, 79-100.
- Jensen-Campbell, L. A., & Graziano, W. G. (2001). Agreeableness as a moderator of interpersonal conflict. *Journal of personality*, 69(2), 323-362.
- Jones, G. D., & Nelson, E. S. (1997). Expectations of marriage among college students from intact and non-intact homes. *Journal of Divorce & Remarriage*, 26(1-2), 171-189.
- Kanemasa, Y., Taniguchi, J., Daibo, I., & Ishimori, M. (2004). Love styles and romantic love experiences in Japan. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 32(3), 265-281.
- Kayser, K. (1993). *When Love Dies: The Process of Marital Disaffection*. New York: Guilford.
- Kline, R. B. (2005). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling* (2nd ed.). New York: Guilford.
- Lafrate, R., Bertoni, A., Margola, D., Cigoli, V., & Acitelli, L. K. (2012). The link between perceptual congruence and couple relationship satisfaction in dyadic coping. *European Psychologist*, 17(1), 73.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2008). The Threefold Cord Marital Commitment in Religious Couples. *Journal of Family Issues*, 29(5), 592-614.
- Lee, J. A. (1973). *The colors of love: An exploration of the ways of loving*. Don Mills, Ontario: New Press. (Popular Edition, 1976), 214, 760-762.
- Maslow, A. H. (1954). *Motivation and Personality*. New York: Harper.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2003). The attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal processes. *Advances in experimental social psychology*, 35, 53-152.



Neff, L. A., & Karney, B. R. (2009). Stress and reactivity to daily relationship experiences: How stress hinders adaptive processes in marriage. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97, 435-450.

Neto, F. (2015). Revisiting correlates of sociosexuality for men and women: The role of love relationships and psychological maladjustment. *Personality and Individual Differences*, 83, 106-110.

Orbuch, T. L., Veroff, J., & Holmberg, D. (1993). Becoming a married couple: The emergence of meaning in the first years of marriage. *Journal of Marriage and the Family*, 815-826.

Reis, H. T. (2010, October). Everyday acts of compassionate love in dyadic context. Paper presented at the Fetzer Institute, Kalamazoo, MI.

Reis, H. T., Clark, M. S., & Holmes, J. G. (2004). Perceived partner responsiveness as an organizing construct in the study of intimacy and closeness. In Mashek, D. J., & Aron, A. (Eds.). *Handbook of closeness and intimacy*. Psychology Press. pp. 201-25.

Reis, H. T., Maniaci, M. R., & Rogge, R. D. (2013). The expression of compassionate love in everyday compassionate acts. *Journal of Social and Personal Relationships*, 0265407513507214.

Sabey, A. K., Rauer, A. J., & Jensen, J. F. (2014). Compassionate love as a mechanism linking sacred qualities of marriage to older couples' marital satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 28(5), 594.

Sprecher, S., & Fehr, B. (2005). Compassionate love for close others and humanity. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22(5), 629-651.

Sprecher, S., & Fehr, B. (2011). Dispositional attachment and relationship-specific attachment as predictors of compassionate love for a partner. *Journal of Social and Personal Relationships*, 28(4), 558-574.

Sprecher, S., & Regan, P. C. (1998). Passionate and companionate love in courting and young married couples. *Sociological Inquiry*, 68(2), 163-185.

Stafford, L., David, P., & McPherson, S. (2014). Sanctity of marriage and marital quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 31(1), 54-70.

Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological review*, 93(2), 119-135.

Tobin, R. M., Graziano, W. G., Vanman, E. J., & Tassinary, L. G. (2000). Personality, emotional experience, and efforts to control emotions. *Journal of personality and social psychology*, 79(4), 656.

Underwood, L. G. (2009). Compassionate love: A framework for research. In B. Fehr, S. Sprecher, & L. G. Underwood (Eds.), *The science of compassionate love: Theory, research, and applications*, 3-25. West Sussex, UK: Wiley-Blackwell.

Vangelisti, A.L., & Daly, J.A. (1997). Gender differences in standards for romantic relationships. *Personal Relationships*, 4, 203-219.

Whisman, M. A., Dixon, A. E., & Johnson, B. (1997). Therapists' perspectives of couple problems and treatment issues in couple therapy. *Journal of Family Psychology*, 11(3), 361-366.

Wei, M., Russell, D. W., Mallinckrodt, B., & Vogel, D. L. (2007). The Experiences in Close Relationship Scale (ECR)-short form: Reliability, validity, and factor structure. *Journal of personality assessment*, 88(2), 187-204.

Yu, R., Branje, S., Keijsers, L., & Meeus, W. (2014). Brief report: How adolescent personality moderates the effect of love history on the young adulthood romantic relationship quality? *Journal of adolescence*, 37(5), 749-752.

Zadeh, S. S., & Bozorgi, Z. D. (2016). Relationship between the Love Styles, Personality Traits, and the Marital Life of Married Students. *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS) ISSN 2356-5926*, 746-756.